فهرست مطالب

[اشاره 2](#_Toc501533654)

[دلیل دوم: استنتاج از اصل رفق و مدارا و اصل احتمال تأثیر 2](#_Toc501533655)

[ارشاد جاهل و انگیزه بخشی 2](#_Toc501533656)

[احکام الزامی و غیر الزامی در تعلیم و تربیت 3](#_Toc501533657)

[حوزه تعلیم در زمینه الزامیات 3](#_Toc501533658)

[قواعد تسریع و شتاب و تدریج و تدرج در معارف و احکام دین 4](#_Toc501533659)

بسم الله الرحمن الرحیم

**موضوع: اصول و روش‌های تربیتی/ اصل تدریج در تربیت**

# اشاره

در اصول تربیت، پس‌ازآنکه اصل رفق و مدارا را بحث کردیم و بعد از احتمال تأثیر به اصل سوم رسیدیم که تدریج در اقدامات تعلیمی و تربیتی است، در این اصل، پس‌ازآنکه در مقدمه به نکاتی اشاره کردیم، به ادله پرداختیم. اولین دلیل، کاربرد روش تدریجی در قرآن و سنت بود، به یک کبرای کلی در باب سیره‌های قولی پرداختیم.

# دلیل دوم: استنتاج از اصل رفق و مدارا و اصل احتمال تأثیر

دلیل دوم، در حقیقت استنتاجاتی از اصل اول و دوم است، اینکه رِفق و مدارا و احتمال تأثیر را جزء اولین اصول قراردادیم، دلیلش این است که تقریباً بسیاری از این اصول و روش‌ها و شیوه‌ها به شکلی به چند اصل پایه برمی‌گردد، یعنی در اصول تعلیم و تربیت از منظر اسلام، قاعده رِفق و مدارا با اضلاعی که داشت و قاعده احتمال تأثیر با احتمال و اضلاعی که داشت، یک نقش کلیدی و محوری دارند، این‌ها اصول پایه هستند، شاید کمتر اصلی از اصول تعلیم و تربیت باشد که به یک شکلی ریشه در این چند قاعده پایه نداشته باشد.

در دلیل دوم، بازگشتی به ادله پایه داریم، یعنی اصل رِفق و مدارا و اینکه بفهمیم اقتضای آن‌ها در اینجا چیست. اینکه می‌گوییم تدریجی تعلیم و تربیت بکند، به نحوی در آن اصل‌ها ریشه دارد، تقسیمی که در اینجا ارائه می‌دهیم و در هر قسمی اقتضای اصول قبلی و ادله آن‌ها، بخواهیم بررسی کنیم، به‌این‌ترتیب است که اقدام تربیتی تقسیم می‌شود به اقدام تعلیمی، یعنی ارشاد جاهل، فصل دوم اقدامات تربیتی به معنای خاص است که بعد از فراق از اینکه به شخص آگاهی داد، می‌خواهد او را ترغیب و تشویق کند و او را به سمت اقدام و عمل ببرد.

# ارشاد جاهل و انگیزه بخشی

در قسم اول که کار آگاهی بخشی و اعلام و تعلیم است، قاعده ارشاد جاهل بود که بیان شد، در فصل دوم کارهای تربیتی و انگیزه بخشی و توان‌افزایی برای اقدام است، تربیتی به معنای خاص است که در آن بیشتر تعبیر قاعده هدایت و تربیت و امربه‌معروف و نهی از منکر جریان دارد.

# احکام الزامی و غیر الزامی در تعلیم و تربیت

در هر یک از این دو باب، حوزه تعلیمی یا تربیتی که مربی می‌خواهد اقدام بکند، گاهی حوزه احکام الزامی و واجب و حرام است و گاهی هم احکام الزامی نیست، احکام رجحانی یا مرجوحی است، حوزه واجب و حرام در بخش اول و در بخش دوم حوزه مستحب و مکروه قرار می‌گیرد، این قسم با یکدیگر ضرب می‌شود و درواقع چهار صورت می‌شود.

در بخش مسائل تربیتی به معنای خاص، دو بخش الزامی و غیر الزامی وجود دارد، این چهار صورت محوری است، اصول در هر یک از این‌ها، قواعد رِفق و مدارا و عدم اضرار و عدم حرج و احتمال تأثیر، قواعدی که بیان شد و جزء قواعد پایه فقهی در اینجا به شمار می‌آید، چه اقتضایی دارد؟

# حوزه تعلیم در زمینه الزامیات

مربی که می‌خواهد مسائل الزامی، یعنی واجب و حرام و امثالهم را تعلیم بدهد، آیا در تعلیم واجبات و محرمات (یعنی همان قاعده ارشاد جاهل)، باید تدریجی عمل بشود، یا باید تسریع بشود. قاعده ارشاد جاهل این بود که اگر کسی نمی‌داند، بایستی احکام و معارف را به او آموزش داد.

در محور اول سؤال این است که اینجا حکمش ازلحاظ تسریع و تدریج چیست؟ قسم اول به دو قسم تقسیم می‌شود، برای اینکه گاهی تعلیم و آگاهی بخشی و ارشاد برای کسی است که الآن مخاطب تکلیف نیست، ولو اینکه حکم الآن الزامی است، اما این بعدها الزامی می‌شود، الآن او مخاطب نیست، مثلاً برای بچه‌ای است که چند سال دیگر مخاطب این مسائل قرار می‌گیرد، در حال حاضر تنجز و فعلیتی ندارد.

قسم دوم این است که آن فرد در حال حاضر مخاطب این حکم بالفعل است، اما مورد ابتلا نیست، اگر تکلیف را بداند، آناً موظف به تکلیف بیان شده است، این دو تقسیم در هر چهار قسم مذکور است.

در آن صورتی که بالفعل طرف موظف به تکلیف در حال حاضر نیست، به طور مثال بچه است، یا بزرگ است، اما شرایط و قیود این حکم، برایشان فراهم نیست، در قسم اول، سؤالی که هست، این است که تسریع یا تدریج، قاعده کلی در همه این‌ها هست و آن تسریع در اقدامات تعلیمی و تربیتی است؛ «**وَ سارِعُوا إِلى‌ مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ**»[[1]](#footnote-1)، «**فَاسْتَبِقُوا الْخَیْراتِ**»[[2]](#footnote-2)، حتی قبل از اینکه مخاطب مورد خطاب حکم تکلیفی قرار بگیرد، احکام و معارف دین را یاد بگیرد، از مستحبات است.

قاعده پایه هست که می‌فرمایند در خیرات تسریع بکن، تسریع و شتاب در خیر، کبرای کلی است که یک صغرا و مصداق آن ارشاد جاهل است، ابلاغ احکام و معارف دین است، حتی اگر مبتلابه او نباشد، برای اینکه در اجتهاد و تقلید بیان شد که اصل شناخت معارف و احکام، ولو مورد ابتلای انسان نباشد، مستحب نفسی است.

# قواعد تسریع و شتاب و تدریج و تدرج در معارف و احکام دین

قاعده اول؛ آشنایی با معارف و اخلاق و احکام در همه حوزه‌های معارفی و قلمروهای دینی، نفسیاً مستحب است.

قاعده دوم می‌گوید مستحب است تسریع و تسرع و شتاب در همه نیکی‌ها و خوبی‌ها، ازجمله اینکه فرد با معارف و احکام آشنا بشود.

قاعده سوم این است که آشنا کردن و آگاهی دادن به دیگران در حوزه معارف دین، با قطع‌نظر از اینکه مورد ابتلای آن‌ها باشد یا نباشد، مستحب است.

قاعده چهارم؛ تسرع و شتاب در آگاهی بخشی و نشر معارف و احکام دین.

در قانون شرعی «**وَ سارِعُوا إِلى‌ مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ**»، «**فَاسْتَبِقُوا الْخَیْراتِ**»، از مصادیق خیرات، تعلیم و تربیت و دست‌گیری از خلق و آگاهی بخشی به آن‌ها است که باید در آن تسریع گردد، درعین‌حال می‌فرمایند که مگر اینکه مشکلی در کار باشد، اینکه احتمال تأثیر داده نشود، حرجی و ضرری باشد، فرد تحمل این‌ها را نداشته باشد و امثالهم، در این صورت تسریع باید تنظیم بشود.

در تقابل این دو قاعده به یک نقطه اعتدال می‌رسد، ازیک‌طرف تسریع الی الخیرات و از طرف دیگر، رِفق و مدارا و توجه به قواعدی که بیان شد.

یک قاعده عامیه فقهیه داریم که آن اقدامات فوراً ففوراً است، این قاعده یک مصداق مهمی در حوزه تعلیم و تربیت دارد و آن اینکه دیگران را با معارف دین آشنا بکن، البته فعلاً این تکلیف استحبابی است، در برخی از جاها حالت الزامی دارد، این استحباب مطلق به عنوان یک قانون، بعضی جاها تقلیل خورده، آنجایی که این اقدام سریع و پرشتابی که انجام می‌شود، منشأ این است که بر جامعه اثر معکوس بگذارد، یا در سنی است که اگر این اقدام انجام بشود، به طور مثال اختلال شخصیت پیدا می‌کند، برای اینکه توان و ظرفیت این معارف سنگین را ندارد، در اینجا می‌فرماید که تسریع نداشته باش.

1. . سوره آل‌عمران، آیه 133. [↑](#footnote-ref-1)
2. . سوره مائده، آیه 48. [↑](#footnote-ref-2)